

# سازمان دهی فکری شکلی چاپ

● محمد حسین معتمد راد

نقد و بررسی  
مجموعه راهنماهای تولید کتاب های آموزشی  
دوره ابتدایی و راهنمایی



## اشاره

در یک کلام، مجموعه راهنماهای تولید کتاب های آموزشی مفید و مؤثر بوده اند؛ ولی به هیچ وجه کافی نبوده اند. در نخستین میزگرد نقد و بررسی این مجموعه، برخی انتقادات مطرح شدند و برخی حرف ها هم ناتمام ماندند، لیکن امید برای دست یافتن به تفاهمی مؤثر و سازنده موج می زد؛ امید به این که یک بار دیگر همه ی ملاک ها و ارسی شوند. و البته پیش از آن ضرورت دارد که در خصوص مفاهیم و اصطلاحات کلیدی عرصه ی نشر کتاب های آموزشی به تعاریف مشترکی برسیم. تعجب آور است که با همه ی کوشش های مسئولان طرح سامان بخشی کتاب های آموزشی به منظور ارائه «دسته بندی روشنی» برای این کتاب ها، هنوز بعضی از دوستان ناشر این دسته بندی را نارضا و مبهم می دانند. در این نشست، گر چه اختلاف نظر ها کم نبودند، اما همه در یک زمینه توافق داشتند: تداوم چنین جلساتی ضروری است. در این میزگرد، که کارشناسان و ناشران کتاب آموزشی، نقطه نظر خود را در خصوص «مجموعه راهنماهای تولید کتاب های آموزشی» جویا شده ایم. دوستانی بدین شرح شرکت داشته اند: **علیرضا حاجیان زاده**: مدیرکل دفتر انتشارات کمک آموزشی، **محمد علی شامانی**: معاون مجلات دفتر انتشارات کمک آموزشی، **محمود امانی**: کارشناس برنامه درسی، **دکتر محمد امین طالب شهرستانی**: مدیر انتشارات جهان رایانه، **اعلاء سلاله نوری**: کارشناس کتاب های آموزشی، **فتح ا... فروغی**: مدیر انتشارات شورا، **مهر داد عالی پور**: مدیر انتشارات همگامان، **کاظم قلم چی**: مدیر انتشارات کانون فرهنگی آموزش، **دکتر حسین قاسم پور**: مقدم: کارشناس برنامه ریزی درسی، **محمد فرخی**: کارشناس کتاب های آموزشی، **یحیی دهقانی**: مدیر انتشارات مبتکران و **نادر قدیانی**: مدیر انتشارات قدیانی.

۲۱۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۶

۷۸



**شامانی:** قصد ما از انتشار این سندها، در حقیقت فرصت دادن به کتاب‌های آموزشی موجود بود که با نگاهی متفاوت، سطح خود را ارتقا دهند و به حیطة کاربردی نزدیک‌تر شوند. پیش از این ما نمی‌توانستیم از کتاب‌های آموزشی مناسب حرف بزنیم، چون معیار و ملاک مشخصی را اعلام نکرده بودیم. برای دستیابی به ادبیات مشترک و برای این که بتوانیم کار مؤثرتری انجام دهیم، تهیه‌ی این مجموعه سندها در دستور کار قرار گرفت تا مبنای یک وفاق علمی را بین پدیدآورندگان، کارشناسان و ناشران محترم فراهم کند. از ابتدا هم می‌گفتیم، این راهنماها را آماده می‌کنیم تا به عنوان اولین پیش‌نویس‌ها، فرصت گفت‌وگو را فراهم کنیم.

نگاه ما، نگاهی ترویجی بود. می‌خواستیم با انتشار این سندها ملاک‌هایی را که مورد تفاهم مجموعه‌ای از کارشناسان هستند، ترویج دهیم و جملگی به ادبیات مشترکی دست پیدا کنیم تا کتاب‌های ما روزه‌روز، از دیروز بهتر شوند.



**امانی:** بخش اول صحبت را به موضوع اهداف تدوین‌چنین مجموعه‌هایی و در واقع ضرورت تدوین آن‌ها اختصاص می‌دهم. در باب ضرورت آن‌ها ما با هم اختلاف‌نظری نداریم. می‌دانیم که دغدغه‌ی اصلی تمام ناشران، ارتقای کیفیت است. ارتقای کیفیت دغدغه‌ای است که پایان نمی‌پذیرد، و ناشر هیچ‌گاه از آن‌ها نمی‌شود. او دائم می‌کوشد، از نظر سازمان‌دهی فکری، سازمان‌دهی شکلی، و چاپ، یعنی سه عرصه‌ی اصلی سازمان‌دهی که هر ناشری با آن دائماً دست به‌گریبان است، کیفیت کار خود را ارتقا دهد. بنابراین، تولید استانداردها و سندهایی که به بهبود کیفیت کمک کنند، امری ضروری است و در این باب به استدلال فراوان نیاز نیست. در این چالش برای ارتقای کیفیت، سؤال اصلی این است که: چنین کتاب‌هایی چه جایگاهی دارند؟ برای چه تولید می‌شوند؟ چرا «دفتر انتشارات کمک‌آموزشی»، به عنوان نهادی که دغدغه‌ی ارتقای کیفیت آثار هم‌نام خودش، یعنی انتشارات کمک‌آموزشی را دارد، دست به تألیف چنین مجموعه‌هایی می‌زند و آن‌ها را به‌طور رایگان، بین کسانی که در این عرصه می‌خواهند فعالیت داشته باشند، توزیع کند؟ هدف این مجموعه‌های راهنما چیست؟

من برای این اسناد سه نوع مخاطب در نظر گرفته‌ام: **ناشران، مؤلفان و پشتیبانان صنعت نشر.** مشخص است که ناشران با این نوع راهنماها چه نوع سروکاری دارند. هر کدام از این اسناد که بیرون می‌آیند، ما ورق می‌زنیم و نگاهی می‌کنیم؛ چه به حوزه‌ی تخصصی خودمان مربوط باشد چه نباشد. اما به مناسبت تشکیل این جلسه، من نشستم و این مجموعه‌ها را دقیق‌تر ورق زدم. دیدم در این مجموعه‌ها، سه بخش عمده پیش‌بینی شده است. البته این سه بخش در کتاب‌های متفاوت مجموعه هم وزن نیستند و این هم وزن نبودن هم به نوعی برمی‌گردد به اقتضائات و نیازهای متفاوتی که در عرصه‌های گوناگون وجود دارند.

**یک بخش،** بخشی ورودی است که اساساً ویژگی‌های حوزه‌ها را ترسیم می‌کند. این بخش در

عرصه‌های محتوایی  
می‌تواند  
عرصه‌های تاخت و تاز  
ناشران باشد  
و فعالیت‌های تولیدی  
خود را  
متمرکز کنند

پاره‌ای از موضوعات مانند فارسی و مطالعات اجتماعی، بسیار بسیار حجیم، مهم و پرتأثیر است. چرا که این درس‌ها در سال‌های اخیر متحمل تغییرات بنیادی شده‌اند. یعنی در واقع مؤلفان این مجموعه کوشیده‌اند، از این فرصت استفاده کنند و عرصه‌ی جدیدی را که در باب آموزشی این مطالب گشوده شده است، ترویج کنند و به اشاعه‌ی مطالبی که در برنامه‌های درسی به عنوان نگاه جدیدی مطرح شده‌اند، بپردازند. اما در بعضی از دروس که ما برنامه‌ی جدیدی نداریم، مثل ریاضیات که هنوز برنامه‌ی جدید ما به مرحله‌ی اشاعه نرسیده است، می‌بینیم که در این بخش تقریباً هیچ مطلبی مطرح نشده است. مثلاً در کتاب «ویژگی‌های کتاب‌های آموزشی ریاضی»، اولین بخش به ویژگی‌های کتاب‌های آموزشی ریاضی اختصاص دارد، در حالی که در مورد تعلیمات اجتماعی، عنوان‌های اولین بخش یا بخش مقدمه از این قرار است:

- تعلیمات اجتماعی چیست؟
- اهمیت آموزش تعلیمات اجتماعی در دوره‌ی ابتدایی و در دوره‌ی راهنمایی
- رابطه‌ی تعلیمات اجتماعی با سایر علوم
- هدف‌های درس تعلیمات اجتماعی

در اصل، خلاصه‌ای از برنامه‌ی درسی در این کتاب آمده است. هم‌چنین در کتاب فارسی، در واقع هدف‌های کلی برنامه‌ی درسی زبان و ادبیات فارسی را مشاهده می‌کنیم؛ هدف‌های مربوط به خواندن، نوشتن، گوش دادن و غیره. از طرف دیگر، بخش اول در واقع بخش ورودی است. بخش اطلاعات رسانی به مخاطب است که در این عرصه، برنامه‌های درسی کدام هدف را دنبال می‌کنند. همین هدف‌ها قرار است توسط کتاب‌های آموزشی و کمک درسی تقویت شوند یا تعمیق یابند.

**بخش دومی** که در همه‌ی این اسناد به‌طور مشترک وجود دارد، عرصه‌های محتوایی است که می‌تواند عرصه‌های تاخت و تاز ناشران باشد و مشخص می‌کند که ناشران در این حوزه‌ها می‌توانند، فعالیت‌های تولیدی خود را متمرکز کنند. عرصه‌هایی که در واقع گاهی تیترها و مفاهیم برنامه‌ی درسی هستند، گاهی مطالبی هستند که در برنامه‌های درسی مورد تأکیدند، و گاهی حوزه‌های محتوایی را شامل می‌شوند. یعنی به صورت‌هایی متفاوت، حوزه‌ای را که برای پشتیبانی از برنامه‌های درسی مورد نیاز است، ترسیم می‌کنند.

پس گرچه منبع اصلی در نظام آموزشی کتاب درسی است، اما این کتاب درسی برای تعمیق یادگیری و وسعت بخشیدن به آموخته‌های دانش‌آموزان، توسط کتاب‌های گوناگون آموزشی و کمک آموزشی پشتیبانی می‌شود. این بخش این زمینه‌ها را ترسیم می‌کند.

**بخش سوم** که در تمام این کتاب‌ها هم مشترک است، جدول ارزش‌یابی است که به ناشر،

کتاب درسی برای  
تعمیق یادگیری  
و وسعت بخشیدن به  
آموخته‌های  
دانش‌آموزان  
توسط کتاب‌های  
گوناگون آموزشی  
و کمک آموزشی  
پشتیبانی می‌شود

۱۳۹۱

زمستان ۱۳۸۶



مؤلف و حوزه‌ی پشتیبانی کننده که حوزه‌ی سوم است، کمک می‌کند که خوب و بد کتاب‌ها را بر این مبنا تشخیص بدهند.

این یونیفرم کلی کتاب‌های مورد بحث است. هدف از تولید این کتاب‌ها ایجاد «وحدت سوگیری نشر» برای پشتیبانی از برنامه‌های درسی است. هم حوزه‌های دارای اولویت نشر را تعیین می‌کنند و هم ملاک‌های کتاب خوب را. این می‌شود هدف تولید مجموعه.

**شهرستانی:** اصولاً من نمی‌دانم به لحاظ استراکچرال (ساختاری)، اگر جشنواره‌ی رشدی نمی‌بود، باز این جلسات شکل می‌گرفت؟ به عبارت دیگر، یک جلسه‌ی تشریفاتی و مقدماتی است برای جلسه‌ی فردا که در کارنامه و دیباچه‌ی جشنواره به شکل کاملاً سنتی باید باشد، یا این که واقعاً پدیده‌ای است که در فرایند تکاملی نشر دارد اتفاق می‌افتد؟



ما درباره‌ی کتاب صحبت می‌کنیم. اما کتاب در زنجیره‌ی یاددهی و یادگیری و خروجی بحث مهارت، آن هم مهارت زندگی، دارد اتفاق می‌افتد. یعنی علی‌القاعده ما بنا داریم، برای ۹۳ درصد خروجی جمعیت کشور، به هر حال مهارت یادگیری و عملی ایجاد کنیم. من هم مقدمات این ۲۵ کتابچه را بسیار مفید می‌دانم. اساساً مقدمات و اهداف بسیار عالی هستند و عمدتاً جنبه‌های بین‌المللی و جنبه‌های جهانی دارند. اما اولاً با همدیگر ناسازگار هستند و آن‌ها را در قالب یک مسترپلن (نقشه‌ی کلیات) نمی‌بینیم. ثانیاً مقدمات را با اهداف تفصیلی کاملاً ناهماهنگ و کاملاً غیریکدست ارزیابی می‌کنم.

برای تولد انسان، اشرف مخلوقات، خلیفه‌ی خدا در زمین، همان نیمه‌ی بزرگ‌تر آموزش و پرورش، یعنی پرورش، هیچ ردپایی در این استانداردها دیده نمی‌شود.

اگر ناشری براساس روابط علت و معلولی، به دلیل جهت‌گیری سازمان سنجش که همه‌ی کشور را به سمت نظامی به اسم **کنکور** سوق می‌دهد، به سراغ کتاب‌های کنکور می‌رود، باید علت را گرفت یا معلول؟ این تقاضا را چه کسی در جامعه ایجاد می‌کند که باعث می‌شود، ناشر کتاب‌های کمک آموزشی درسی به سمت آن میل کند و بیش از ۶۰ درصد تولیداتش به آن سمت وسو برود؟ اگر بناست اهداف کلان خودمان را تنظیم کنیم، صرفاً با معرفی چهار استاندارد حاصل نمی‌شود و این استانداردها به استاندارد کاربردی در جامعه تبدیل نخواهد شد. صحبت از نظام چند تألیفی را سال‌هاست که می‌شنویم. قرار است نقد ما درباره‌ی دوره‌های ابتدایی و راهنمایی باشد. دو سه سال است که می‌گویند، نظام چند تألیفی در دوره‌ی راهنمایی اتفاق

هدف از تولید  
این کتاب‌ها  
ایجاد «وحدت  
سوگیری نشر»  
برای پشتیبانی از  
برنامه‌های درسی  
است

۱۳۹۶

زمستان ۱۳۸۶

۸۱



افتاده است. کارنامه اش کجاست؟ دیگر این که بالاخره ناشران خصوصی در پیاده‌سازی اصل ۴۴، به کجای آموزش و پرورش وصل‌اند؟

عرضم را این‌گونه پایان می‌دهم که اگر «انجمن فرهنگی ناشران آموزشی»، با تمام قدرت و قوت آماده‌ی پی‌گیری این جلسات حتی به صورت هفتگی را دارند، سرمایه‌ی بسیار جدی کارشناسی را در این زمینه هزینه کند. امیدوارم این جلسه از این به بعد به طور پیوسته برگزار شود؛ البته با آن مقدماتی که عرض کردم.

**نوری:** ناشر و مؤلف هر دو نیاز دارند که به شکلی حمایت شوند. من به سهم خودم، حمایت وزارت ارشاد را کافی نمی‌دانم. یعنی فکر می‌کنم، باید عرصه برای کار به طور مستقیم باز باشد و ناشر بتواند، از خدماتی که وجود دارد، اعم از کاغذ، چاپ و بقیه مسائل، استفاده کند و در حقیقت، در بازار سالمی، جایگاه خودش را پیدا بکند.

کار برنامه‌های درسی فقط منحصر به کتاب درسی نیست. این برنامه باید به صورت یک بسته یا «پکیج آموزشی» ارائه شود. واقعیتش این است که سیستم موجود اداری ما هر قدر هم تلاش کند، نمی‌تواند آن را تأمین کند. پس طبیعی است که این کار به ناشران و مؤلفان واگذار شود.

**امانی:** این سؤال به ذهنم رسید که آیا مؤلف هم می‌تواند از این مجموعه استفاده‌ای ببرد؟ در این باب برای هر مؤلفه چند نکته را یادداشت کرده‌ام که به‌طور خلاصه خدمت دوستان عرض می‌کنم. ناشر از این مجموعه می‌تواند برای سوگیری و جهت‌دادن به کتاب‌هایی که می‌خواهد تولید کند، بهره بگیرد. البته این سوگیری با سوگیری بازار یکی است. بحث دیگری که داریم، بحث کیفیت است. اگر بخواهیم این موضوع را قدری کلان نگاه کنیم، موفقیت کتاب خوب در گرو نظام ارزش‌یابی پیش از تحصیلی مناسب است که اگر این کتاب‌ها محق باشند، با موفقیت روبه‌رو خواهند شد.

اما برای مؤلف، بیشترین نقشی که دارد - در کنار سوگیری کلی محتوای کتابی که در هماهنگی با برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش و کتاب‌های درسی تألیف می‌کند - بحث انتخاب محتواست. حوزه‌ی محتوایی در این کتاب‌ها، بسیار خوب تعیین شده است. یعنی این حوزه‌ی محتوایی می‌تواند هم به ناشر و هم به مؤلف یک جدول کاری بدهد و می‌تواند بگوید کجاها نقص وجود دارد و کجاها عرصه‌ی تولید است.

**فروغی:** با وجود تقدسی که برای این منابع قائل هستیم، مواردی را



این کتاب‌ها هم حوزه‌های دارای اولویت نشر را تعیین می‌کنند و هم ملاک‌های کتاب خوب را



۱۹۹۱  
زمستان ۱۳۸۶

۸۲



علامت زده ام. به نظر من، غیر از هم وزن نبودن ها و غیر از یکدست نبودن ها که حاکی از سلیق، علائق و برداشت های گروه های دفتر برنامه ریزی است، بر این کتابچه ها مبانی تحقیقاتی روشنی حکم فرما نیست. متأسفانه کلید واژه ها از یکدستی برخوردار نیستند. به واقع ما با کتاب آموزشی، کتاب کمک آموزشی و کتاب کمک درسی روبه رو هستیم. من ناشر، کدام یک از این ها را باید بپذیرم و براساس آن، استانداردها را بررسی کنم؟ از جمع حاضر بپرسم. به صفحه های ۱۲ و ۱۳ این کتابچه و تعریفی که از انواع این کتاب ها شده است، نگاه کنید. مجموعه راهنماهای تولید کتاب های آموزشی می گوشت تا یافته های علمی کاربردی و دیدگاه های صاحب نظران را درباره ی سامان بخشی کتاب های آموزشی، برای استفاده ی نویسندگان، ناشران و سایر پدیدآورندگان کتاب آموزشی ارائه کند. آیا این ها کاربردی هستند؟ نوشته است، کوشش می کند که این طوری باشد. حالا مقصود از سایر پدیدآورندگان چیست، نمی دانم. در صفحه ی ۲ (مقدمه) آمده است، آن چه در مجموعه ی حاضر فراهم شده، تلاش مقدماتی برای نیل به این مقصود است. من استفاده می کنم از این عبارت و معتقدم که این جلسه هم تلاشی است برای نیل به همان مقصودی که اسم برده شده است.

**کار برنامه های درسی  
باید به صورت  
یک «بسته ی  
آموزشی»  
ارائه شود**

روی پوسترها من واژه ی کاربردی را می بینم و به خودم حق می دهم این جا بگویم، کاربردی صحبت کنیم و از کلیات بپرهیزیم. اگر بخواهیم کاربردی صحبت کنیم، باید این اسناد را نقد کنیم. یعنی من فکر می کنم می شود یکی از آن ها را الگو قرار دهیم. آن را بخوانیم و جزء به جزء به نقد بکشیم. این دستور کار جلسه ی حاضر باشد. چرا این جا یک بار کتاب آموزشی نام برده شده و بعد دیگر اسمی از آن برده نشده است؟ اصلاً کتاب آموزشی یعنی کتاب غیردرسی. پس اسمش را بگذاریم کتاب غیردرسی. بعد می گوید کتاب آموزشی دو نوع است: کمک درسی و کمک آموزشی. ما تعریفی از آموزشی نداریم. اگر تعریفمان غیردرسی است، می شود پذیرفت. به هر صورت ما این جا دچار تناقض هستیم و تعریف ها مشخص نیستند. ما در مورد کلید واژه ها مشکل داریم. اشکالات دیگری را به این مجموعه می توان گرفت. اگر دوستان آمادگی داشته باشند و بیسندند، غیر از این جلسه، جلسات دیگری داشته باشیم و یکی دو مورد را انتخاب کنیم و آن ها را نقد کنیم.

**عالی پور:** من فکر می کنم، اگر تولید این کتابچه ها سبب شده باشد که امروز این حرف ها زده شوند، به حد کفایت کاری عالی بوده است. یعنی یک خط کشی شده است و حالا می توانیم بگوییم، کدام جنبه



۱۳۹۰  
مهرماه  
۸۳



درست است و کدام غلط. و این کار ارزشمندی است. به نظر من ۷۰ درصد کار انجام شده است و ۳۰ درصد بقیه به تعمیق موضوع مربوط می‌شود. لذا به عنوان یک مؤلف و یک معلم فکر می‌کنم که شروع این کار شهادت می‌خواست و زحمت زیادی را طلبیده است. تشکیل همین جلسات هم فکر می‌کنم، نشان دهنده‌ی متمایل شدن آموزش و پرورش به سمت مؤلف است.

من در این کتابچه‌ها چند موضوع را بررسی کرده‌ام. نظر اول من تغییر نام این کتابچه‌هاست. نام استانداردهای محتوای آموزشی مناسب نیست، چون ما در این جا به استانداردهای فنی کار نپرداخته‌ایم. به علاوه، روی ضخامت خطوط جدول‌ها و فونت‌هایی که به کار گرفته‌ایم، کار نکرده‌ایم. مثلاً طبق آماری که ما در مورد ۱۵۰۰ نفر دانش‌آموز داریم، دانش‌آموزان از مطالعه‌ی مطلب با قلم‌نارین دیرتر خسته می‌شوند. البته آموزش و پرورش هم به این نتیجه رسیده است. این که چه سهمی از کتاب باید با قلم مروراید باشد، مشخص نیست. اصلاً هدف از استفاده از این قلم در محتوای آموزشی چیست؟ بنابراین پیشنهاد می‌کنم، بخشی را به این کتابچه‌ها اضافه کنیم و در آن به عنوان تولیدات فنی، به ناشر بگوییم، از چه قلمی و چه سایز برای چه گروه سنی استفاده کنند.

در این جا چند خلاصه دیده می‌شود که از همکاران عزیزمان تقاضا دارم، آن‌ها را در نظر بگیرند. اول این که نوع محتوای کتاب‌های آموزشی را مشخص کنید که می‌خواهیم **کتاب موضوع محور ارائه بدهیم یا دانش آموز محور** که در کتاب‌های مدیریت آموزشی بر آن تأکید شده است. بعد می‌توانیم پیشنهاد بدهیم که چه نوع کتاب آموزشی یا کمک آموزشی تدوین شود.

دیگر این که ما استانداردهای زیادی داریم که طبق آن‌ها، چیدمان‌های کتاب تست از تدریس بالاتر است. ما برای این صحبت منبع داریم. گاهی اوقات چنان در حاشیه از کتاب‌های تست صحبت می‌شود که به مؤلفینی که می‌کوشند، روی اصول کارشناسی تست‌ها را تهیه کنند، برمی‌خورد. چون تهیه‌ی تست واقعاً یک کار کارشناسی است. ما بالغ بر ۲۱۰۰ منبع در جهان داریم که در مورد چیدمان و ترتیب‌بندی تست و این که قاعده را رعایت می‌کند یا نه، صحبت کرده‌اند. لذا از کارشناسانی که با کتاب‌های تست زیاد آشنایی ندارند، خواهش می‌کنم قبل از حذف این موضوع به عنوان موضوعی سطح پایین و بی‌ارزش، آگاهی‌شان را توسعه دهند و یا در میزگردهایی اجازه بدهند که در زمینه‌های علمی آن هم صحبت شود. می‌خواهم نتیجه بگیرم که در این سند این بخش دیده نشده است. چون کارشناسانی که روی این سندها کار کرده‌اند، کارشناسان جدی حلقه‌ی میانی بین دبیرستان و دانشگاه نبوده‌اند. ما با کمبود محتوا در تست و با کمبود محتوا در حل المسائل روبه‌رو هستیم. فکر می‌کنم اگر از کارشناسانی که در این رابطه کار کرده‌اند، اطلاعات علمی تری به‌دست آید و به این سند اضافه شود، ما به آن هدف آرمانی برسیم.

**حوزه‌ی محتوایی در این کتاب‌ها می‌تواند هم به ناشر و هم به مؤلف یک جدول کاری بدهد**  
**حوزه‌ی محتوایی در این کتاب‌ها می‌تواند بگوید کجاها نقص وجود دارد**  
**و کجاها عرصه‌ی تولید است**

۲۱۹۱۹  
زمستان ۱۳۸۶

۸۴



یعنی این محتوا نزدیک می شود به ذائقه‌ی بازار. چون در حال حاضر این خلأ وجود دارد.

**قلم چی:** به نظرم خوب است، آن مبانی نظری و اصول ناظر و حاکم بر تدوین این مجموعه‌ها را، در کنار مصاحبه‌ها و اظهار نظرهای دوستان بیاوریم و تا حد امکان، مطالب را زیر چند عنوان نظری و بنیادی بیان کنیم.

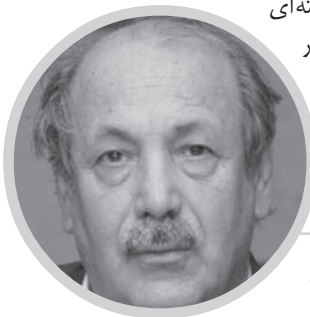
ببینید در کشورهای دیگر، برای آموزشی ریاضی یا علوم با چه مشکلات و معضلاتی روبه‌رو هستند. من از شما و از مسئولین وزارت ارشاد استدعا می‌کنم، در یک بررسی تطبیق، حداقل وضعیت کتاب‌های آموزشی را در ایران - آن چه که فعلاً موجود است، با آن چه که در هندوستان، پاکستان، ترکیه و مصر موجود است، یعنی در دنیای اسلام و با همین مجموعه‌ی خاورمیانه که ما باید خودمان را با آن‌ها مقایسه کنیم، مقایسه کنید. من

برای «پروژه‌ی تکاج» این بررسی را انجام داده‌ام.

**قاسم پور:** پیشنهاد بنده این است که ما نگوئیم فقط این سند مطرح است، بالاتر از این سند چیزی وجود ندارد و این تنها راهنمای برنامه‌ی درسی است. درست است که نویسندگان این سندها برنامه‌ی درسی را در نظر گرفته‌اند، ولی غیر از این سندها هم، مطالبی نزد ناشران وجود دارد که من فکر می‌کنم، آن‌ها هم باید در نظر گرفته شوند. ما در آینده باید با مجموعه‌ی این سه نهاد، یعنی کتاب غیردرسی، انتشارات کمک آموزشی و ناشران که جمع گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند، سندها را تغییر دهیم و اصلاح کنیم.

**فرخی:** مهم‌ترین مسئله این است که دیکته‌ای نوشته شده و ما اکنون فرصت داریم، با حضور خود ناشرین و کارشناسانی که در حوزه‌های متفاوت صاحب نظر هستند، آن را بررسی کنیم و به سرانجام بهتری هم برسیم.

**دهقانی:** این اسناد بدون شک در ارتقای کیفیت کتاب‌های آموزشی، چه از نظر



پیشنهاد می‌کنم  
به ناشران بگوئیم  
از چه قلمی  
و چه سائیزی  
برای چه گروه سنی  
استفاده کنند

۱۳۹۰

زمستان ۱۳۸۶

۸۵

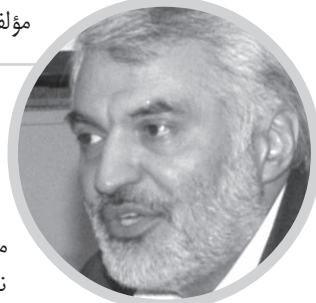




محتوایی و چه از نظر شکلی، بی تأثیر نبوده اند. این که گفته می شود، در این اسناد توجهی به نخبه پروری نشده است و یا این که تست را رد کرده اند، من شخصاً چنین استنباطی ندارم. در این کتابچه ها از کتاب های سنجش و ارزش یابی استفاده شده و گفته شده است که ناشران می توانند چنین کتاب هایی به وجود آورند.



**قدیانی:** اگر بخواهیم قدری جدی تر و عملی تر نگاه کنیم، فکر می کنم اگر این کتابچه ها را، گروه معروف تری از کارشناسان نقد کنند و چکیده های کارشان را به جامعه ی ناشرین اعلام کنند، قطعاً اثرات بهتری را شاهد خواهیم بود. نکته ی دیگری که می خواهم عرض کنم این است که معمولاً در همه ی جای کشورمان و در همه ی وزارت خانه ها، وقتی کتابی برگزیده می شود، همه ی تقدیری که از آن به عمل می آید، به یک تیراژ سه هزار نسخه و ۲۰ تا ۳۰ سکه محدود است. جشنواره ی رشد هم همین طور است. کتابی را که برگزیده تشخیص می دهد، به حال خودش رها می کند. حداقل می توانند، یک نسخه از این کتاب را به مدارس یا هر کانال دیگری که ارتباط دارند، هدیه و معرفی کنند. این ها به هر حال انتقاد به دوستان است که این همه زحمات برای کتاب برگزیده را، با یک سکه به مؤلفش پاسخ می دهند و خداحافظ تا سال دیگر.



**حاجیان زاده:** ما باید در مورد استانداردها به توافق برسیم. ما پیش نویسی نوشته ایم و آن را منتشر کرده ایم تا در اختیار همه قرار بگیرد. ولی از ابتدا سیاستمان این بود که این پیش نویس، ویرایش اول است. برای این که قطعی شود، به تولید انبوه برسد و به سندی تبدیل شود که همه به آن پای بند باشیم، به گفت و گو احتیاج دارد و این نوع جلسات را باید با موضوعات مشخص به طور پیاپی دنبال کنیم. نقدها چه منفی باشند چه مثبت، هر دو برای ما ارزشمند هستند. چون می خواهیم سازنده باشیم و اصلاح کنیم.

با این که فرمودند، ما دیکته ای نوشته ایم و هر دیکته ای دارای غلط است، کاملاً موافقم. ما قطعاً علاقه مند هستیم که نقاط کور و ضعف این اسناد برطرف و نقاط قوت آن ها برجسته شوند. اگر بتوانیم در مورد این استانداردها به توافق برسیم، بحث حمایت را پشت سر آن حتماً خواهیم داشت. یعنی نمی تواند این استانداردها تدوین شود و به دنبال آن حمایت نباشد. قطعاً حمایت خواهد بود.

